

کیمیایان

دفاع در فقه اسلامی بر اساس تفسیر امام خمینی(ره) در صفحه ۴۸۵ از مجلد اول *صحیفه نور*، تکلیف الهی برای پیشگیری از آسیب‌هایی است که اساس اسلام را تهدید می‌کند یا جان و مال و عرض انسان را هدف قرار می‌دهد.
در آموزه‌های قرآن، خدا در مقام دفاع از مؤمنان عمل می‌کند و بصراحت با استفاده از فعل مضارع «بِدفاع» به استمرار آن تأکید می‌ورزد. البته دفاع به اشکال و ابزار‌های گوناگون انجام می‌شود و می‌تواند با استدلال برهانی، مجادلات، آمادگی نظامی، حمله نظامی، ریشه‌کنی فتنه و منابع تهدید و مانند آنها انجام شود.

بای‌گمان شناخت ابعاد موضوع و مسئله دفاع به عنوان یک تکلیف الهی چه از نظر حقوقی یا نظامی یا سیاسی و مانند آنها لازم و ضروری بر هر مسلمانی است؛ زیرا انجام تکالیف و سلب‌ایدها و نشاید‌های آن است که نویسنده با مراجعه به آیات قرآن، به برخی از آنها و نیز آثار دفاع مشروع پرداخته است.

حق دفاع، حق فطری و تکلیف الهی

برخی از امور جزو حقوق فطری است که امروزه از آن به عنوان حقوق طبیعی یاد می‌شود. حقوق فطری، حقوقی است که بقای ذات انسان و سلامت تن و روان او را تضمین می‌کند. از نگاه قرآن، هر آفریده‌ای از جمله انسان حقوقی دارد که عقل فطری انسان

خدا به دفاع از مؤمنانی می‌پردازد که در مسیر حق و حقیقت در علم و عمل حرکت کرده و در صراط مستقیم قرار گرفته و از خیانتهکاران و ناسپاسان در هراس هستند.

آن را می‌شناسد و بدان گرایش دارد. به سخن دیگر در هر انسانی نرم‌افزاری تعبیه شده که به او توانایی شناخت حقایق از باطل را می‌دهد و گرایش‌های او را به سوی حقایق و گریزش از باطل تعیین می‌کند. هر انسانی بر اساس این نرم‌افزار تقدیری و هدایتی، حقایقی از جمله عدل، صدق، امانت، وفا، شکر و مانند آنها را از افساد آنها به بیابان باطل می‌شناسد. و به دسته نخست گرایش و از دسته دوم گریزش دارد.

این رفتار انسانی بر اساس الیهامات الهی و هدایت فطری در نفس معتدل است. (طه، آیة ۵۰؛ شمس، آیات ۷ و ۸)

همان گونه که نفس معتدل گرایش به عدل و گریزش از ظلم دارد، همچنین گرایش به دفاع از جان و مسال و عرض خویش دارد و اجازه نمی‌دهد تا بدان تعرضی انجام شود؛ زیرا از نظر قرآن، قوای عالیه و چاده و حافظه در حالت اعتدال

قرار دارد و انسان بر آن است تا به دور از هر گونه ظلم و تعدی هر آنچه را برای بقای خویش نیازدارد، جذب کند و هر عامل تهدیدی بقای خویش را فدای نماید. این‌گونه است که دو قوه شهوانی و عقلی سرکشان از خدمت جنب و حرمی در خارج از اشکال، از جمله ایثار و ایستادگی در دفاع از جان و مال و عرض خویش و نیز برای افساد استوار و سفوت و تثبیت نشده، نمی‌توانی تکیه‌گاه دیگری باشی و به دستگیری دیگری بپردازی.

وقتی انسان خودش را در رشد کمالی به جایی رسانیده باشد که در مقام نفس مطمئنه قرار گیرد و در کمال به تمام رسیده باشد، می‌تواند بی‌تأثیرپذیری از علل و عوامل منفی، بلکه حتی علل مثبت، نه تنها خودش را نجات دهد، بلکه نجات بخش دیگری هم باشد.

پس شخص هدایت شده می‌تواند هادی دیگران باشد و انسان کامل مکمل است که می‌تواند دیگران را با تعلیم و تزکیه خویش به تمامیت کمالی برساند. از همین رو خدا در آیه ۱۰۵ سوره مائده می‌فرماید:
علیکم انفسکم؛ به خودتان بچسبید و مراقب خودتان باشید.

نویسنده در نوشتار زیر حقیقت این سفارش الهی و علل آن را بیان کرده است.

آیاییت عمل شر، گناه دارد؟ و نیت عمل شر، ثواب

یکی از اموری که می‌گویند از مظاهر سبقت رحمت الهی بر غضب الهی است یعنی نشانه این است که همیشه لطف و رحمت بر غضب و قهر پیشی دارد این است که اگر انسان در مرحله نیت، طالب خیر و حقیقت باشد یعنی قصد جدی داشته باشد که کار عملی را انجام دهد ولی بعد در عمل موفق نشود، خداوند به چنین کسی یا اینکه توفیق این عمل را پیدا کرده است و نیت امر و نیت اجر و پاداش این عمل می‌باشد. ولی اگر کسی قصد معصیتی را بکند، نیت یک شسری را در دل داشته باشد و بعد مانعی پیدا شود که آن کار صورت نگیرد، مثلا قصد داشت که برود شهادت دروغ بدهد ولی رفت و احتیاجی به او پیدا نشد و بالاخره در عمل، او شهادت دروغ نداد، آیا برای او گناه یک شهادت دروغ نوشته می‌شود؟
نه، چون نیت به مرحله عمل نیاوده است.
این، تفضل الهی است.

شدن و مهر خوردن خارج شود و توانایی شناختی و گرایش و گریزشی صبح را از دست دهد، از آن به عنوان «فجور» یاد می‌شود که ضد تقوای الهی است.(شمس، آیات ۷ تا ۱۰)

هر انسانی بر اساس نرم‌افزار هدایت باطنی تکوینی شناخت حق تفاد می‌شود و آن را به عنوان شریعت یعنی قانون الهی حاکم بر هستی می‌شناسد و بدان گرایش دارد؛ زیرا آن را مصداقی از مصداق «عدل» می‌نامد.(انفال، آیة ۱۷؛ شمس، آیات ۷ و ۸؛ طه، آیة ۵۰؛ بقره، آیة ۳۸؛ روم، آیة ۳۰) انسان افزون بر سامانه هدایت درونی فطری و الهامی به نام عقل و قدرت تعقل در دو ساحت اندیشه و انگیزه، علم و عمل و جزم و عزم، همچنین دارای سامانه هدایت بیرونی وحیانی به نام «عقل است».

از این رو خدا یاد او می‌شود که انسان با دو سامانه نقلی و عقلی می‌تواند شریعت را بشناسد و به کار گیرد و در صراط مستقیم به پایسته‌ها و شایسته‌های کمالی خویش برسد(طه، آیة ۵۰؛ شمس، آیات ۷ تا ۱۰؛ ملک، آیة ۱۰؛ فرقان، آیة ۴۴) اما اکثریت مردم با تغییر در نفس معتدل، تعقل قلبی را با فجور و فسق و گناه از کار می‌اندازند، تا جایی که قلب کارکرد تعقلی خویش را از دست می‌دهد و پست‌تر از چارپایان در سطح نجات و جماد می‌شود و به سبب فقدان تعقل و تفکر، دچار وارونگی شناختی و گرایش می‌شود تا جایی که فساد را صلاح و صلاح را فساد می‌داند و باطل را جای حق می‌گذارد و به منکرات به جای معروف می‌پردازد و ارزش‌ها را قربانی ضد ارزش‌ها می‌کند و از صراط مستقیم هدایت و کمال به هیبوط و سقوط در ضلالت کشیده می‌شود.

بنابراین، به سبب فقدان تعقل و تفکر و فقدان تقوای برخاسته از آن، در برابر وحی نقلی نیز واکنش منفی نشان می‌دهد و آن را تکذیب می‌کند و پیام الهی پیامبران را نمی‌شنود و بدان ایمان نمی‌ورد.(شمس، آیات ۷ تا ۱۰؛ اعراف، آیة ۱۷۹؛ بقره، آیات ۷ تا ۱۵؛ فرقان، آیة ۴۴)

به هر حال، از نظر قرآن، عقل فطری انسان در قلب سالم و نفس معتدل، حقوق فطری از جمله حق دفاع را می‌شناسد و بدان گرایش دارد؛ زیرا دفاع از جان و مال و عرض، دفاع از بقای خویش است و هر کسی به طور فطری بقای خویش را دوست دارد و برای آن جهاد می‌کند؛ چرا که قوه دفاعه به نام غضب بر نفس همین در سرشت هر انسانی نهاد شده است. این از سنت‌های حاکم بر هستی از جمله نظام است که جلوی «فساد» گرفته‌شود(بقره، آیة ۵۱؛ حج، آیة ۴۰)؛ زیرا فساد در برابر صلاح چیزی جز باطل در برابر حق نیست و انسان به طور فطری گرایش به حق و گریزش از باطل دارد.

شگفت آنکه حتی کسانی که به تغییر فطرت اقدام کرده و درچه قلب خویش را مژ رده و برده‌ای بر آن گذاشته‌اند، هر چند که در ساحت شناخت به اشتباه و خطا گرفتار آمده‌اند، اما می‌دانند که حق همواره مطلوب است و باید دنبال آن باشند؛ از این رو با آنکه ناتوان از شناخت صلاح از فساد و اصلاح از افساد هستند، ولی به سبب گرایش فطری، همچنان مدعی اصلاح هستند و افساد خویش را اصلاح می‌شمارند.

البته از نظر قرآن، چنین عدم شناخت صحیح حق و باطل، برخاسته از همان بی‌شعوری آنان است که درچه قلب خویش را بسته و قدرت تعقل و تفکر صبح را از دست داده‌اند(بقره، آیات ۷ تا ۱۵)
به هر حال، دفاع از حق در همه اشکال، از جمله ایثار و ایستادگی در دفاع از جان و مال و عرض و نیت واجب و تکلیف الهی است که عقل الهامی فطری و نقل وحیانی آن را می‌شناسد و بدان گرایش دارد و تأیید می‌کند؛ زیرا از نظر قرآن

نفس، حقیقت وجودی انسان
واژه نفس در قرآن در معانی گوناگونی به کار رفته است که از جمله آنها به معنای روح میدهد در کالبد است؛ زیرا وقتی روح در کالبدی قرار گیرد و در آن دمیده شود، (ص، آیة ۱۲؛ حجر، آیة ۲۹) به نام نفس شناخته می‌شود که حقیقت وجودی انسان را تشکیل می‌دهد و خدا همین نفس را همه حقیقت انسان می‌داند. (زمر، آیة ۴۲)

این نفس انسانی در حالت اعتدال (انفال، آیة ۷) و استواء(شمس، آیة ۷) دارای توانایی شناختی و گرایش به سبب هدایت فطری و الیهامات الهی است و پادشاهی و کیفرها را در دنیا و آخرت تحمل می‌کند و رستگاری و سعادت ابدی یا سقوط و شقاوت را در دست می‌آورد. (طه، آیة ۵۰؛ شمس، آیات ۷ تا ۱۰)

البته در آیات قرآن نفس به معنای ذات چیزی نیز آمده است، مانند ذات الهی؛ زیرا خدا می‌فرماید: بجزرکم الله نفسه؛ خدا شما را از ذات خویش برحذر می‌دارد. (آل عمران، آیة ۲۸)
همچنین نفس به کسانی اطلاق می‌شود که از نظر پیوندهای روحی و فکری و رفتاری یا خویشاوندی مانند فرزندان به شخص نزدیک هستند.

از همین رو، خدا امرمؤمنان عملی(ع) را نفس پیامبر(ص) دانسته است(آل عمران، آیة ۶۱) که از نظر روحی و نوری در مراتب خلقت به آن حضرت (ص) بسیار نزدیک است و نوعی یگانگی در این مرتبت میان آنان برقرار است.

دست به قرآن به مؤمنان فرمان می‌دهد: یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم!ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مراقب خودتان باشید و به

برقرار است.

خودتان بچسبید(مائده، آیة ۱۰۵)؛ زیرا مراد از علیکم در اینجا، التزام به خود است که در اصطلاح فارسی به چسبیدن تعبیر می‌شود. وقتی کسی می‌گوید، به خودت بچسب و به دیگری کاری نداشته باش، یعنی مراقب خودت باش تا گرفتار خطرات نشویی که جانت را از دست بدهی. بنابراین، علیکم انفسکم فرمانی است که خدا به بندگان مؤمن می‌دهد تا مراقب خودشان باشند و کاری نکنند که نفس آنان در خطری بزرگ گرفتار آید و دچار مثلا بدبختی و شقاوت شود.

خدا در ادامه این آیه توضیح می‌دهد که اگر مؤمنان مراقب خودشان باشند، دیگری

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

دعای خیردر روز نهم ماه مبارک رمضان

مراسم نماز در یک مسجد

نمازگزار در حال سجده در رکعت دوم نماز

نمازگزار در حال سجده در رکعت دوم نماز